

قهرمان سام‌نامه کیست و چرا می‌جنگد؟

(بررسی ساختار نبردهای قهرمان سام‌نامه)

نرگس خادمی^{۱*}، فرزاد قائمی^۲، مریم صالحی‌نیا^۳

(تاریخ دریافت: ۹۴/۶/۲۳، تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۱/۱۰)

چکیده

در این مقاله با استفاده از روش ساختاری به بررسی جریان نبردهای سام، قهرمان سام‌نامه پرداخته‌ایم. بدین منظور ابتدا مجموعه نبردها در جدولی شامل پنج عامل کنشگر، انگیزه نبرد، رقیب جنگی، یاریگران و نتیجه نبرد آورده شده است. سپس با خلاصه کردن داده‌های جدول، به ۹ نتیجه کلی درباره ساختار نبردهای این منظومه رسیدیم. در مرحله بعد با تقلیل دادن این ۹ نتیجه کلی سه فرمول کلی‌تر به دست آمد. کارکرد اصلی نبردهای قهرمان سام‌نامه که قابلیت خلاصه شدن در قالب چند فرمول ساده را دارد، برجسته کردن قهرمانی اغراق شده و همیشه‌پیروز است. جریان نبردها در یک بررسی غیرطولی و با توجه به دو دسته اصلی فرستنده یا انگیزه از هم قابل تفکیک است. دسته اول شامل نبردهای قهرمان از آغاز داستان تا زمان راهی شدن به سوی سرزمین شداد عاد و در ادامه، سلسله نبردهای او با

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی (نویسنده مسئول).

* khademi.narges@gmail.com

۲. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

۳. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

فغفور چین و سپاهیان اوست که با انگیزه عشق انجام می‌شود و دسته دوم مجموعه نبردهای قهرمان با انگیزه‌های دینی و نیز برخی انگیزه‌های فرعی دیگر است. همچنین قهرمان *سام‌نامه* کنشگری مستقل است که از هیچ شاهی تبعیت نمی‌کند و با در نظر گرفتن این نکته و فقدان هرگونه انگیزه ملی در این اثر، می‌توان گفت *سام‌نامه* اثری حماسی نیست؛ بلکه داستان عاشقانه‌ای است که دخالت سرایندگان آن در جهت شکل دادن به گفتمانی متأثر از باورها و اعتقادات خاص، باعث شکل گرفتن اثری منحصربه‌فرد با ساختارهای خاص خود شده است.

واژه‌های کلیدی: *سام‌نامه*، نبرد، کنشگر، انگیزه دینی.

۱. مقدمه

سام‌نامه منظومه‌ای حماسی بر وزن *شاهنامه* فردوسی است که از ترکیب منظومه *همای و همایون* خواجهی کرمانی و تعدادی داستان‌های فرعی دیگر پدید آمده است. داستان این منظومه مجموعه‌ای از ماجراهای افسانه‌واری است که برای سام اتفاق می‌افتد (صفا، ۱۳۷۹: ۳۳۵). ذبیح‌الله صفا آن را جزو حماسه‌های ملی ایران طبقه‌بندی می‌کند؛ اما در بررسی محتوایی آن معتقد است «در این داستان بر عکس *شاهنامه* از حضور سام در جنگ‌های ملی ایرانیان اثری نیست» (همان، ۳۳۷-۳۳۸) و «آنچه در این ماجراها اتفاق می‌افتد همه و همه از افکار حماسی ما بیرون است» (همان، ۳۳۸). سرکاراتی (۱۳۷۸: ۶۹۱-۶۹۲) نیز معتقد است *سام‌نامه* به هیچ وجه «دنباله افسانه‌های اصیل و باستانی مربوط به حماسه ملی ایران نیست». از سویی، برخی پژوهشگران مختلف به دلیل ساختار ترکیبی خاص این اثر نظرات مختلفی درباره سراینده و تاریخ سرایش آن مطرح کرده‌اند. عده‌ای انتساب این اثر به خواجهی کرمانی را تأیید کرده و تاریخ سرایش آن را بین اوایل قرن هفتم تا اواسط قرن هشتم حدس زده‌اند. عده دیگر درباره انتساب این اثر به خواجه تردید کرده‌اند، از جمله این افراد هرمان اته است که اثر را «نوعی جعل و تغییر صورت از منظومه *همای و همایون* خواجهی کرمانی» دانسته است (اته، ۱۳۳۷: ۵۸).

محمدزاده و وحید رویانی در مقاله‌ای با عنوان «*سام‌نامه* از کیست» با ذکر پیشینه پژوهش درباره انتساب یا رد *سام‌نامه* به خواجهی کرمانی و دسته‌بندی دلایل صحت انتساب *سام‌نامه* به خواجه و پاسخ به این دلایل در نهایت نتیجه می‌گیرند که *سام‌نامه* از

قهرمان سام‌نامه کیست و چرا می‌جنگد؟... _____ نرگس خادمی و همکاران

خواجوی کرمانی نیست و خلاف نظر برخی از پژوهشگرانی که پیش‌تر ذکر آن‌ها رفت، منظومه همای و همایون شکل تلخیص‌شده و متأخرتر سام‌نامه نیست و سام‌نامه اثری است که از آمیختن همای و همایون خواجو با دیگر داستان‌های فرعی، احتمالاً از قرن دهم به بعد پدید آمده است. نویسندگان این مقاله سام‌نامه را اثری متعلق به ادب عامه می‌دانند که سراینده واحدی ندارد و «هر نقالی به فراخور توان و ذوق خود بخشی از آن را منظوم کرده و به داستان افزوده است»^۱ (محمدزاده و رویانی، ۱۳۸۶: ۱۷۲).

ساختار خاص سام‌نامه و احتمال سروده‌شدن آن توسط نقالان مهم‌ترین عاملی است که سبب به وجود آمدن تغییرات عمده و معنادار در ساختار روایی این منظومه داستانی شده است؛ تغییراتی که سبب فاصله‌گرفتن هرچه بیشتر این اثر از ساختار حماسه‌های پیشین و تبدیل آن به منظومه‌ای با قواعد و ویژگی‌های خاص خود شده است. مقاله حاضر به بررسی ساختار نبردهای قهرمان سام‌نامه می‌پردازد و در ادامه می‌کوشد با تکیه بر احتمال مطرح‌شده در رابطه با تعلق این اثر به ادبیات عامه و نقش پررنگ مخاطب در این گونه آثار به توجیه علی ساختارهای خاص آن بپردازد.

سؤال‌های اصلی مطرح در این پژوهش بدین شرح است: ساختار نبردهای قهرمان در سام‌نامه - که یکی از آثار متأخر ادب حماسی ایران است - چه تفاوت‌های ویژه‌ای با ساختار نبرد در آثار حماسی پیشین دارد؟ آیا تمام کنشگران در این ساختار نقش پویایی دارند؟ انگیزه‌های متفاوت قهرمان سام‌نامه چه تأثیری بر نتیجه جنگ‌ها، پرداخت شخصیت قهرمان و درنهایت شکل‌گیری گفتمان خاص این اثر دارد؟ و سؤال آخر اینکه آیا تعلق این اثر به ادب عامه و سروده‌شدن بخش عمده‌ای از آن توسط نقالان، تأثیری بر شکل‌گیری ساختارهای خاص نبرد داشته است یا خیر؟

۲. پیشینه پژوهش

در ارتباط با موضوع نبرد در سام‌نامه تا به حال پژوهش مستقلی صورت نگرفته است. زرین‌واردی و حمیده نظری اصطهباناتی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی ساختار اسطوره‌ای در داستان سام‌نامه» به بررسی برخی جنبه‌های اسطوره‌ای اثر از جمله سفر، نیروهای فراطبیعی و ضدقهرمانان و زنان دخیل در روایت پرداخته‌اند. همچنین علی

اصغر بشیری و علی محمدی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «ریشه‌یابی نبرد سام با عوج بن عنق در *سام‌نامه* بر اساس دیدگاه انطباق در حماسه‌ها» به تحلیل و ریشه‌یابی نبرد سام با عوج بن عنق پرداخته‌اند. وحید رویانی در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تأثیر *شاهنامه* با *سام‌نامه*» به بررسی وجوه شباهت شاهنامه و *سام‌نامه* پرداخته است. این پژوهش‌ها و نیز مقاله «*سام‌نامه* از کیست» هم‌زمان یا بعد از چاپ نخستین تصحیح انتقادی اثر انجام گرفته‌اند. تحقیقاتی که قبل از چاپ اثر به شکل جدید صورت گرفته، بیشتر به مقایسه این اثر با *همای و همایون* خواجهی کرمانی و بیان نکته‌های اشتراک و افتراق دو اثر و تلاش برای انتساب یا رد انتساب این اثر به خواجهی کرمانی پرداخته است. ازجمله این آثار می‌توان به مقاله منصور رستگار فسایی (۱۳۷۰: ۴۱-۴۲) با عنوان «یک داستان با دو نام» و مقاله هدایت‌الله نیرسینا (۱۳۵۳: ۲۰۸) با عنوان «*سام‌نامه* خواجهی کرمانی» اشاره کرد.

۳. مبنای نظری پژوهش و روش تحقیق

روش مورد استفاده نگارندگان در این پژوهش روش ساختاری است. پراپ^۲ (۱۳۶۸: ۱۶۱-۱۶۳) با تأکید بر اهمیت کارکرد به معنای کنش شخصیت‌های روایت به دلیل اهمیتی که در پیشبرد جریان داستان دارند، هفت نقش^۳ را در قصه معرفی می‌کند که به ترتیب عبارت‌اند از: شریر، بخشنده، یاریگر، شاهزاده‌خانم (شخص مورد جست‌وجو)، گسیل‌دارنده، قهرمان و قهرمانان دروغین. وی این دسته‌بندی هفت‌گانه از شخصیت‌های حکایات فولکلوریک را خاص قصه‌های پریان مورد بررسی خود می‌داند و تأکیدی بر فراگیر و جهانی بودن الگوی خود نداشت؛ اما گریماس^۴ با توجه به نظریه پراپ الگویی کنشی را مطرح کرد که آن را شالوده و بنیان هر نمونه معناساختی اعم از جمله یا داستان می‌داند. الگوی کنشی او مجموعه‌ای از شش رده است که میان آن‌ها ارتباط نحوی و معنایی برقرار است. این شش رده که گریماس آن‌ها را در قالب سه جفت تقابل دوتایی مطرح می‌کند، عبارت‌اند از: فرستنده^۵، گیرنده^۶، فاعل یا قهرمان^۷، مفعول یا موضوع^۸، یاریگر^۹ و مخالف^{۱۰} (Greimas, 1984: xliii). گریماس چگونگی پیوند آن‌ها را در چنین نموداری نشان می‌دهد:

یاریگر----- < > فاعل -----مخالف



گیرنده>----- مفعول ----- فرستنده

همچنین پراپ (۱۹۸۵: ۳۹) انگیزش‌ها را شامل «هم دلایل و هم اهداف اشخاص قصه که آن‌ها را به انجام کارهای مختلفی که مرتکب می‌شوند وامی‌دارد» می‌داند؛ اما با تأکیدی افراطی بر محدودکردن کنشگر به جوهر عمل، معتقد است انگیزه‌ها جزو ناپایدارترین عناصر قصه‌اند. اما گریماس با مطرح کردن نیروی فرستنده -یکی از مشارکان شش‌گانه روایت- به عنوان عامل یا نیرویی که کنشگر را به دنبال خواسته یا هدفی می‌فرستد، انگیزه‌های شخصیت‌های داستانی را در مرکز توجه قرار می‌دهد. در این بررسی خواهیم دید که چگونه انگیزه‌های قهرمان سام‌نامه که به شکل معناداری از انگیزه‌های قهرمانان حماسی دیگر متفاوت است، سبب خلق گفتمانی متفاوت می‌شود. همچنین در ادامه بررسی خواهیم دید که سراینده یا سرایندگان سام‌نامه چگونه به توجیه این انگیزه‌های متفاوت و نه‌چندان موجه قهرمان می‌پردازند.

استفاده از الگوی کنشگرهای گریماس علاوه‌بر ساختار دوقطبی آن- که برای بررسی ساختار نبرد مناسب است- به دلیل تعمیم تعریف فرستنده به انگیزه‌های شخصیت یا کنشگر، سبب می‌شود بررسی ساختار نبردهای سام‌نامه در چارچوب آن به نتایج جالبی منتهی شود. در این بررسی هر جریان نبرد به عنوان یک شبه‌داستان در نظر گرفته می‌شود و مرتب‌ساختن جریان نبردها در قالب جدول به روشن ساختن تعداد دقیق آن‌ها و تعیین حیطه زمانی وارد شدن کنشگرهای جدید کمک می‌کند.

به دلیل همپوشانی عوامل فرستنده و هدف تقریباً در همه موارد، فقط عامل فرستنده را در جدول می‌آوریم و عامل گیرنده را که تأثیر چندانی در بررسی‌های ما ندارد، حذف می‌کنیم و به جای آن عنوان «نتیجه نبرد» را قرار می‌دهیم. روشن است عامل بازدارنده کنشگر همان رقیب جنگی و گیرنده هر جریان نبرد طرف پیروز نبرد و درنهایت خود قهرمان است که با در نظر گرفتن انگیزه‌های کم‌رنگ یاران و متحدان و درنهایت بعد از ۴۶ سال جنگ با موانع، با پریدخت ازدواج می‌کند.^{۱۱}

۴. بحث و بررسی

نمونه‌هایی از دلاوری‌های سام را در نوشته‌های فارسی میانه زردشتی (سرکراتی، ۱۳۷۹: ۲۵۹) و همچنین در آثار پهلوی و منابع اسلامی می‌توان یافت (عابدی، ۱۳۹۰: ۱۰۶۹). از مهم‌ترین کارهای نمایان سام در این گزارش‌ها «اژدهاکشی، سپاه‌کشی به مازندران یا هندوستان و نبردش با سگساران» (همان، ۲۵۸) است؛ اما سام قهرمان اصلی *سام‌نامه* گویی شخصیتی دیگری است. او را سام نریمان می‌خوانند؛ اما از پدران او سخنی که اهمیت و اعتبار خاندان او را گزارش کند، به میان نمی‌آید (همان، ۱۰۷۰). از این منظر این منظومه حجیم و طولانی را می‌توان اثری خالی از مایه‌های پهلوانی و حماسی و اثری تک-قهرمانی دانست که به بررسی اعمال و انگیزه‌های سام نریمان، قهرمان این اثر، می‌پردازد. قهرمان این اثر خلاف قهرمانان حماسی دیگر که از اوان زندگی با افراد معمولی متفاوت‌اند دوره کودکی برجسته‌ای ندارد و خلاف قهرمانان حماسی دیگری چون رستم، سهراب یا گرشاسب از جزئیات رشد خارق‌العاده در کودکی خبری نیست. راوی اثر بی‌آنکه طبق شیوه معمول در حماسه‌های دیگر به شیوه آشنایی پدر و مادر، بار گرفتن مادر از پدر قهرمان، چگونگی زایمان مادر و جزئیات رشد خارق‌العاده قهرمان در دوران کودکی اشاره‌ای بکند، ماجرای تولد و چگونگی رشد او را به شکلی مختصر این‌گونه بیان می‌کند:

چنین گفت موبد مر این داستان	که از دختر شاه بلخ آن زمان
که سام یل آمد همی در وجود	برآورد هر یک به شاخی سرود
چنان شد که گر برگشودی کمین	شه چرخ را دربرودی ز زین

(ناشناس، ۱۳۹۲: ۴)

راوی بعد از این سه بیت به ماجرای شکار رفتن قهرمان در سن ۸ سالگی - یا مطابق یکی دیگر از نسخه‌بدل‌ها ۱۴ سالگی - و شکل‌گیری انگیزه نخستین او برای راهی‌شدن به سمت چین و شروع سلسله‌نبردهای او در این راه می‌پردازد. قهرمان در حین شکار، گور زیبایی را می‌بیند و با تعقیب آن گور به قصر زیبایی می‌رسد و در آنجاست که با دیدن تصویری از پریدخت، دختر زیبای فغفور چین دل، از کف می‌دهد و همراه با یکی از یارانش به نام قلواد، برای یافتن صاحب تصویر و ازدواج با او راهی

قهرمان سام‌نامه کیست و چرا می‌جنگد؟... _____ نرگس خادمی و همکاران

می‌شود. این «یار غار» قهرمان، دوستی وفادار است که به همراه سه یار غار دیگر او (قلوش، قمرتاش و شاپور) تا پایان داستان همراه اوست و به شکل‌های مختلف به ایفای نقش می‌پردازد. در ادامه قهرمان گاه به تنهایی و گاه با یاریگری همراهان خود با زنگیان، اژدها و جادوان می‌جنگد و همراه کاروانی عازم چین می‌شود. او با هویت و نامی جعلی وارد بارگاه فغفور چین می‌شود و در آنجا برای به رخ کشیدن قدرت خود با فولاد جنگی می‌جنگد و او را می‌کشد. فغفور چین برای خلاص شدن از دست قهرمان- که با پریدخت دیدار پنهانی دارد- او را به جنگ نهنگال دیو می‌فرستد. قهرمان با درخواست تضمینی مبنی بر موافقت او برای ازدواج با پریدخت در صورت کشتن نهنگال راهی نبرد با نهنگال می‌شود، او را اسیر می‌کند و برمی‌گردد؛ اما فغفور چین به قولش عمل نمی‌کند و ابرهای دیو هم پریدخت را می‌رباید. راوی در ادامه داستان به شرح نبردهای قهرمان و یاران او در راه رسیدن به کوه فنا می‌پردازد. این جریان شامل نبرد با رهدار دیو و همراهان او، نبرد با سگساریان، نیمه‌تنان، سقلابیان و شدادبن عاد و پیروان اوست. همچنین تقابل ایدئولوژیک بین شداد عاد و یزدان نخستین‌بار در جریان گفت‌وگوی سام با سقلابشاه (سام‌نامه، ۱۳۹۲: ۲۷۲) مطرح می‌شود و در این قسمت داستان است که سام برای اولین بار مقابله با شداد عاد را هدف خود قبل از رسیدن به ابرها مطرح می‌کند. همچنین در همین قسمت داستان در جریان مجادله شاپور با فرخارنوش یکی از درباریان سقلابشاه، به نخستین نمونه مجادله اعتقادی در داستان برمی‌خوریم. این نوع تقابل اعتقادی است که در ادامه به عنوان انگیزه دوم در کنار عشق، و عامل فرستنده بسیاری از جنگ‌های قهرمان مطرح می‌شود و این انگیزه در کنار انگیزه عشق و نجات معشوق از بند دیو، رفته‌رفته پررنگ‌تر می‌شود. نخستین اشاره به شداد عاد در جریان خواب قهرمان در اوایل داستان است که فریدون در خواب، جنگ قهرمان با شداد عاد را پیش‌بینی می‌کند.

قهرمان بعد از شکست شداد عاد و پیروان او ابرهای دیو را اسیر می‌کند و در راه بازگشت به جنگ فغفور چین می‌رود، او را می‌کشد. چینیان شکست می‌خورند و قهرمان پس از سپردن پادشاهی خاور به یکی دیگر از یاران نزدیک خود، یعنی قلوش، همراه پریدخت عازم ایران می‌شود. او در بارگاه منوچهرشاه و در حضور او بار دیگر با

ابره‌ای دیو می‌جنگد و این بار او را از پا در می‌آورد و بدین‌گونه داستان به صحنه پایانی خود، یعنی ازدواج پریدخت و سام می‌رسد.

۵. عامل فرستنده و دو دسته نبرد در سام‌نامه

مجموعه ۱۰۷ نبرد قهرمان سام‌نامه را در بررسی غیرطولی و با در نظر گرفتن عامل فرستنده می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد: دسته اول نبردهای آغاز داستان تا آخرین نبرد است. این دسته شامل نبردهایی است که عامل فرستنده در آن‌ها تنها عشق و گاهی نیز آزاد کردن یاران اسیر است و شامل نبرد قهرمان با زنگیان، اژدها، جادوان، پریدخت و سقلا‌بشاه و اطرافیان و فغفور چین و سپاهیان او می‌شود. نبردهای این گروه شامل آن دسته از نبردهای قهرمان و کنشگران دیگر روایت است که نقشی تعیین‌کننده در جریان نبردها یا انگیزه‌های قهرمان دارند. مثل وقتی که گرفتارشدن یاریگر یا یاریگران به‌عنوان نتیجه یک نبرد، به عنوان / در نقش انگیزه نبرد بعدی قهرمان مطرح می‌شود.

جدول ۱: نبردهای آغاز داستان تا آخرین نبرد پیش از راهی شدن

قهرمان به سوی سرزمین شداد

کنشگر	انگیزه نبرد	رقیب جنگی	یاریگر / یاریگران	نتیجه نبرد	ملاحظات
سام	نجات قلواد	زنگیان / سمندان زنگی	ندارد	فرار و عقب‌نشینی رقیب / کشتن سمندان و نجات قلواد	
سام	عشق پریدخت	اژدها	ندارد	کشتن اژدها	
سام	عشق پریدخت	ژندجادو / اهرن دیو	ندارد	کشتن رقیب جنگی	
قلواد	درخواست دیو برای	ارمنوس دیو / کیوشان	ندارد	کشتن رقیب جنگی / قطع زنجیره	

قهرمان سام نامه کیست و چرا می جنگد؟... _____ نرگس خادمی و همکاران

جنگ با قلواد!	دیو		اسیر شدن قلواد به دست رقیب جنگی	نبردهای قهرمان با جادوان
سام	انگیزه قبلی + آزاد کردن قلواد	کیوشان دیو / مکو کال دیو / لشکر دیوان / مکو کال دیو	ندارد	کشتن رقیب جنگی / فرار رقیب جنگی / عقب نشینی رقبای جنگی / کشتن رقیب جنگی و آزاد کردن قلواد
سام	عشق پریدخت	فولاد جنگی	ندارد	کشتن رقیب جنگی
پریدخت	آزمودن سام	سام	ندارد	آشکار شدن هویت و آشتی
سام	عشق پریدخت	غرنوس دیو / لشکر دیوان / رعد جادو / غرنوس دیو / کنداز دیو / لشکر دیوان / نهنگال دیو / لشکر دیوان	ندارد	پنهان شدن رقیب / کشتار رقبای جنگی / کشتن رقیب / فرار رقیب (دود شدن) / اسیر کردن رقیب جنگی
قلوش	دفاع از خود	نهنگال	ندارد	اسیر شدن قلوش
فولاد	نتیجه جنگ قبلی	نهنگال	ندارد	کشته شدن فولاد

لشکر سام	نتیجه جنگ قبلی	نهنگال	_____	کشته شدن لشکریان سام
قلوادم و قمر تاش	دفاع از خود	شاپور	_____	اسیر شدن قلوادم و قمر تاش
سام	آزاد کردن یاران دربند	شاپور	ندارد	شکست دادن رقیب جنگی
شاپور	خشم شاپور	مأموران سقلا ب‌شاه	ندارد	کشتن رقبای جنگی / در طلسم افتادن شاپور در ادامه
سام	آزاد کردن شاپور	سالار خرگاه سقلا ب‌شاه	ندارد	کشتن رقیب جنگی / آزاد کردن شاپور در طلسم افتادن قهرمان و یاران او در ادامه
شاپور	آزاد کردن سام و یاران او / انگیزه‌ها ی دینی	لشکر سقلا ب‌شاه / عاق جادو	ندارد	کشتار رقبای جنگی / در طلسم افتادن شاپور
فرهنگ دیو	آزاد کردن سام و یاران او	عاق جادو	ندارد	کشتن عاق جادو و باطل - شدن طلسم سام و یاران او
سام	عشق پریدخت	اقای / سپاهیان	ندارد	کشتن رقبای جنگی / کشتار

قهرمان سام‌نامه کیست و چرا می‌جنگد؟... _____ نرگس خادمی و همکاران

	چینیان		فغفور چین / نهنگال / فرطور چینی / سپاهیان فغفور چین / فغفور چین		
	کشتار چینیان	_____	سپاه چینیان	یاری سام	سپاهیان سام

دسته دوم نبردها که شامل مجموعه نبردهای قهرمان و همراهان او از زمان راهی شدن به سوی سرزمین شداد تا آخرین نبرد قهرمان با ابرهای دیو است، در قالب جدول زیر قابل مشاهده است:

جدول ۲: مجموعه نبردهای قهرمان و همراهان او از زمان راهی شدن به سوی سرزمین

شداد تا آخرین نبرد

کنشگر	انگیزه نبرد	رقیب جنگی	یاریگر / یاریگران	نتیجه نبرد	ملاحظات
سام	عشق پریدخت + انگیزه دینی	رهدار دیو	ندارد	شکست دادن رقیب	
سام و همراهان او	نتیجه جنگ قبل	لشکر دیوان	فرهنگ دیو	کشتار دیوان	
شاپور	دفاع از خود	لشکر سگسار شاه	ندارد	اسیر شدن شاپور	
سام	آزاد کردن شاپور	سگساریان	ندارد	کشتار رقبا	
سام	آزاد کردن	سگسار شاه	ندارد	کشتن رقیب	

شاپور + انگیزه دینی	جنگی				
سپاه پریان	شکست پریان	_____	نیمه‌تنان	یاری سام	قهرمان در بند طلسم گرفتار است
سپاه پریان	پیروزی پریان با حضور قهرمان بند طلسم	_____	نیمه‌تنان	یاری سام	آزاد شدن قهرمان از بند طلسم
سام	کشتن رقیب	ندارد	سمندر دیو/ زرینه بال	عشق پریدخت + انگیزه دینی	
سام	کشته‌شدن مرجان جادو	فرهنگ دیو	مرجان جادو	عشق و انگیزه دینی	
سپاهیان سام سام	کشتار رقبای جنگی		دیوان ساکن دوزخ شداد/ سپاه زرینه بال	یاری سام	
قلوادی و شاپور	کشتار عادیان و اسیرشدن شاپور در ادامه	_____	عادیان	انگیزه دینی	
سام	کشتن رقبای جنگی و آزاد کردن شاپور	ندارد	کورابه/ خشاش/ کیرنگ/ عادیان	عشق پریدخت + انگیزه دینی + آزاد کردن شاپور	
سام	غیب شدن رقیب/ تبدیل جنگ به جنگ	ندارد	لجلاج/ سهیل مغربی/ سپاه	عشق/ انگیزه دینی	

قهرمان سام نامه کیست و چرا می جنگد؟... _____ نرگس خادمی و همکاران

	گروهی / کشتار سپاهیان رقیب		عادیان		
سپاه پریان	یاری سام	سپاه عادیان	_____	شکست و اسیر شدن تسلیم شاه و رجمان جنی	قهرمان غایب است
لجلاج	نتیجه جنگ - های قبلی	آذر نژاد	ندارد	کشته شدن پهلوان خودی در غیاب قهرمان	
سام	یاری سیمرغ	ارقم	سیمرغ	کشتن ارقم	جنگ دو مرحله ای
سام	عشق / انگیزه دینی / آزاد کردن یاران در بند	الواج عادی / لجلاج / لجلاج / مهابت دیو /	ندارد	فرار رقیب / کشتن رقیب / آزاد شدن تسلیم شاه و رجمان جنی	
قلواد	یاری سام	عوج	ندارد	اسیر شدن قلواد	
سام	عشق / انگیزه دینی / آزاد کردن قلواد	عوج / سپاهیان مغرب / قهقهام / قهقهام / لشکر شداد / دژخیم	ندارد	زخمی کردن عوج / کشتن رقبای جنگی / فرار رقیب جنگی / آزاد کردن قلواد	
سام	عشق / انگیزه	مهراس	ندارد	کشتن رقبای	

	دینی	عادی / لشکر شداد	جنگی	
سام	عشق / انگیزه دینی	چنگاوه	کشته شدن چنگاوه به دست شاپور	
سام	عشق / انگیزه دینی	جنگسب / سپاه عادیان / شدید / هاروت / سپاه عادیان / خاتوره / سهیلا / عوج بن عنق / اهرن / سپاه شداد / طرسوس / سپاه شداد / شداد	کشتن رقبای جنگی و اسیر کردن شداد عاد	ندارد
اهرن	نتیجه جنگ - های قبلی	سپاهیان سام	کشتار سپاه خودی	ندارد
سپاه پریان	نتیجه جنگ - های قبلی	سپاه شداد	سنگباران کردن سپاه شداد	_____
سام	عشق پریدخت / انگیزه دینی	ابرها / غزنگان دیو / بلخیاس دیو / عفريت دیو / لشکر	کشتن رقبای جنگی / اسیر کردن ابرها	ندارد

قهرمان سام‌نامه کیست و چرا می‌جنگد؟... _____ نرگس خادمی و همکاران

			دیوان / ابرها		
سام	خشم قهرمان به سبب تردید در قدرتش	ابرها	ندارد	کشتن ابرها	

۶. تحلیل داده‌ها

با بررسی جدول‌های سلسله‌نبردهای قهرمان سام‌نامه به چند نتیجه کلی درباره ساختار نبردهای این اثر می‌رسیم:

۱. قهرمان هیچ‌گاه در هیچ جنگی شکست نمی‌خورد.
۲. تقریباً در تمام مواردی که رقیب جنگی قهرمان فرار یا عقب‌نشینی می‌کند، قهرمان در جریان نبرد یا نبردهای بعدی او را اسیر می‌کند یا می‌کشد. مورد عوج بن عنق و شداد از موارد استثناست که دلایل آن در ادامه توجیه می‌شود.
۳. تأکید راوی بر جنگ‌های یک‌تنه است و قهرمان بدون در نظر گرفتن یاریگران اطلاعات‌دهنده در ۷۳ جنگ از مجموعه ۱۰۷ جنگ سام‌نامه به تنهایی و یک‌تنه می‌جنگد.
۴. در دسته اول نبردها انگیزه‌ای که قهرمان را به جنگ وامی‌دارد عبارت‌اند از: عشق پریدخت، تلاش برای آزادی یاران اسیر و در دسته دوم نبردها انگیزه‌های دینی و تلاش برای ترویج دین به انگیزه‌های قبلی قهرمان اضافه می‌شود. تغییر این انگیزه‌ها هیچ تأثیری در نتیجه قابل پیش‌بینی نبردهای قهرمان ندارد.
۵. تقریباً همیشه شکست یاران قهرمان یا سپاهیان در غیاب او اتفاق می‌افتد، برای مثال وقتی او در خواب است یا هنگامی که در بند طلسم دشمنان گرفتار است.
۶. در صورت شکست یاران یا سپاهیان قهرمان، بازگشت او همواره باعث پیروزی دوباره سپاه می‌گردد.

۷. اسیر شدن یاران قهرمان در کنار انگیزه عشق و انگیزه‌های اعتقادی یکی دیگر از انگیزه‌های نبرد اوست که همواره به پیروزی و آزاد شدن یارانش می‌انجامد. برای نمونه نتیجه چهار نبرد اول قهرمان با عادیان، آزاد کردن شاپور و توافق برای جنگ اصلی در زمانی دیگر است.

۸. اگر در موردی عامل یاریگر یا یاریگران پیروز شوند، در جریان نبرد بعدی شکست می‌خورند، اسیر می‌شوند یا در بند طلسم گرفتار می‌شوند تا نیاز به یاری قهرمان همیشه پررنگ باشد. همچنین یاری یاریگران فراطبیعی موقت است تا نیاز به قدرت قهرمان همواره محسوس باشد (موارد یاریگری سیمرخ یا فرهنگ دیو).

۹. به دلیل پررنگ‌بودن انگیزه‌های قهرمان در همه بخش‌های داستان و اشاره‌های بسیار محدود راوی به انگیزه‌های یاران و سپاهیان او، این انگیزه‌ها را می‌توان صرفاً یاری قهرمان و جلب رضایت او در نظر گرفت. قهرمانی که راوی برای توجیه انگیزه‌های او و قراردادن آن‌ها در راستای اعتقادات مذهبی تلاش می‌کند.

این یافته‌ها با به‌کارگیری علامات اختصاری قابلیت خلاصه‌شدن در چند الگوی ساده را دارند. در فرمول‌نویسی، عوامل فرستنده یا انگیزه‌های چندگانه قهرمان را- که تغییرشان تأثیری در نتیجه نبردها نداشت- از فرمول‌ها کنار گذاشتیم.

H: قهرمان یا کنشگر^{۱۲}

O: بازدارنده یا رقیب جنگی^{۱۳}

S: نیروی فرستنده یا انگیزه^{۱۴}

Vs: نبرد و مقابله

V: پیروزی^{۱۵}

D: شکست^{۱۶}

HE^{۱۷}: یاریگر/یاریگران

فرمول شماره یک: فرمول نبردهای قهرمان (کنشگر اصلی بیش از ۷۰٪ نبردها):

$H (vs) O = V$

فرمول شماره دو: کنشگران یاریگر و تأثیر حضور آن‌ها بر نتیجه نبردها:

قهرمان سام‌نامه کیست و چرا می‌جنگد؟... _____ نرگس خادمی و همکاران

HE (vs) O: V/F

فرمول شماره سه: نقش قهرمان در تعیین سرنوشت نبردها:

HE (vs) O= F ----→ H (vs) O= V

۶-۱. پرداخت تدریجی قهرمان سام‌نامه در جریان نبردها

قهرمان سام‌نامه خلاف قهرمانان حماسه‌های دیگر دوره کودکی درخشانی ندارد. راوی دوران کودکی و رشد او را در سه بیت خلاصه می‌کند و تا میانه‌های داستان بیشتر به شکل غیرمستقیم به ارائه قدرت بدنی او می‌پردازد. ارائه غیرمستقیم ویژگی‌های شخصیت داستانی شیوه‌ای است که به جای آنکه به خصلتی اشاره کند آن را به روش‌های مختلف نمایش می‌دهد و تشریح می‌کند (Rimmon-kenan, 2008:61). برخی از روش‌هایی که سراینده سام‌نامه برای توصیف غیرمستقیم قدرت بدنی فوق‌العاده سام به کار می‌برد، بدین شرح است:

۶-۱-۱. حضور کم‌رنگ کنشگران یاریگر در جریان نبردها

نبودن جای عامل یاریگر در بیش از ۹۰٪ نبردها نشان‌دهنده تأکید سراینده سام‌نامه بر جنگ‌های یک‌تنه است. از مجموعه ۱۰۷ نبرد بررسی شده در این پژوهش، ۹۴ مورد آن به نبردهای یک‌تنه اختصاص دارند که ۷۳ مورد آن، نبردهای یک‌تنه قهرمان است. البته عاملی که به این نکته منجر می‌شود، تمرکز راوی بر جنگ‌های یک‌تنه است و گرنه موارد متعدد توصیف سپاه در داستان نشان از جنگ‌های گروهی‌ای دارد که متمرکز شدن راوی بر صحنه‌های جنگ یک‌تنه قهرمان و کنشگران دیگر مانع پرداختن به آن‌ها می‌شود. در این‌گونه موارد که جنگ صفحه ۵۲۶ از جمله آن‌هاست، راوی بعد از توصیف مفصل سپاه در حالی که خواننده انتظار پرداختن او به جنگی گروهی را دارد، به روایت جنگ‌های یک‌تنه قهرمان و گاهی کنشگران دیگر می‌پردازد. در این‌گونه موارد تمرکز راوی بر نبردهای یک‌تنه تا حدی است که نقش سپاهیان یاریگر قهرمان جز در چند مورد معدود ناپدید می‌شود (سام‌نامه، ۳۰۸). البته در مواردی هم یک نبرد در دل نبرد دیگری اتفاق می‌افتد و مورد متأخر نمونه کانونی شده مورد قبلی است (همان، ۱۰۴).

۶-۱-۲. واکنش شخصیت‌های دیگر داستان به کنش‌های قهرمان

گاهی خواننده در جریان کنش‌های قهرمان و واکنش تعجب‌آمیز شخصیت‌های دیگر داستان به قدرت بدنی قهرمان پی می‌برد. برای نمونه در جریان کشته‌شدن پیل رمیده به دست سام راوی با گزارش واکنش تعجب‌آمیز دیگران نسبت به قدرت بدنی قهرمان، به شکل غیرمستقیم به پرداخت شخصیت او می‌پردازد (همان، ۲۹).

۶-۱-۳. توصیف قدرت فوق‌العاده رقیب جنگی

یکی دیگر از روش‌هایی که به شکلی غیرمستقیم به بازنمایی قدرت قهرمان می‌پردازد، توصیف قدرت بدنی خارق‌العاده رقبایی چون مکوکال دیو، لجلاج دیو، نهنگال دیو، عوج‌بن عنق، ابرها یا اژدهای هشت پا و دوسری است که شاه بربر قهرمان را مأمور کشتن او می‌کند. قهرمان با پیروزی در جریان نبرد با همه این موانع قدرتمند است که در نظر خواننده به قدرتی فوق‌العاده دست می‌یابد. از میان این رقبای جنگی عوج‌بن-عنق- که می‌توان او را قدرتمندترین رقیب جنگی قهرمان دانست- همان کسی است که در روایات سامی او را فرزند حوا و عمر او را برابر با ۳۸۰۰ سال دانسته‌اند. او به قدرت بدنی خارق‌العاده و بلندی قد مشهور بوده است. مشهور است که بلندی قامتش ۲۳،۳۰۰ ذراع و هر انگشت او سه ذرع بوده است. او طبق افسانه‌های سامی تا زمان حضرت موسی^(ع) زنده مانده است و با ضربه عصای او که به پایش اصابت کرده، ضعیف شده است و گرگ‌ها و شیرها او را خورده‌اند (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۱۰۰). در *سام‌نامه* نیز این شخصیت که سروش جریان مرگ او را در زمان حضرت موسی^(ع) و در مصر پیش‌بینی می‌کند از معدود رقبای جنگی است که به دست قهرمان کشته نمی‌شود و بعد از نبردهایی با قهرمان و زخمی‌شدن از ناحیه پا، از ترس او شبانه به مصر می‌گریزد.

اوج پرداخت غیرمستقیم قدرت قهرمان را در گزارش ماجرای رقیب قدرتمندی چون نهنگال دیو می‌بینیم که ترس او از روبه‌رو شدن دوباره با قهرمان در میدان جنگ، سبب می‌شود فغفور و اطرافیانش، او را بی‌آنکه بدانند طرف مقابلش سام است، به میدان نبرد بفرستند؛ عملی که به کشته شدن او توسط قهرمان منجر می‌شود.

قهرمان سام‌نامه کیست و چرا می‌جنگد؟... _____ نرگس خادمی و همکاران

۴-۱-۶. متوسل شدن رقبای جنگی به جادو یا توطئه

ازجمله روش‌های دیگری که سراینده سام‌نامه برای توصیف غیرمستقیم قدرت قهرمان به کار می‌برد، پرداخت کنشگران بازدارنده‌ای است که در اثر برنتابیدن با قدرت قهرمان ناچار برای مقابله با او به جادو یا توطئه متوسل می‌شوند. سقلا‌بشاه که از غلبه بر قهرمان ناامید است به کمک عاق زربینه‌چنگ قهرمان و یارانش را طلسم می‌کند و این کار مشابه کار شاه کوش، شاه نیمه‌تنان است که با یاری تنبل جادو قهرمان و همراهان او را کور می‌کند. از موارد دیگر می‌توان به غیب شدن رقبای جنگی بعد از گرفتارشدن به دست قهرمان اشاره کرد که در جدول‌ها قابل مشاهده است. موارد غیب‌شدن رقیب کارکردی مشابه عقب‌نشینی یا فرار رقیب را دارد.

۵-۱-۶. رجزخوانی یاران قهرمان با تکیه به قدرت او

رجزخواندن که یکی از مراحل ابتدایی نبرد است، در فرهنگ‌ها به معنی مفاخرت‌کردن و بیان مردانگی و شرافت خود برای تضعیف روحیه رقیب جنگی آمده است؛ اما در بررسی رجزخوانی‌های سام‌نامه نکته جالب این است که یاران قهرمان وقتی در میدان نبرد و در مقابل عامل بازدارنده یا رقیب جنگی قرار می‌گیرند، همیشه بیش از آنکه به توصیف قدرت بدنی خود و مباحثات به آن پردازند، قدرت و دلاوری سام‌نریمان را وصف می‌کنند و از این نظر خود در حاشیه قرار گرفته و خواننده حتی در نبردهایی که کنشگر آن‌ها یکی از یاران قهرمان است، حضور او را به طور پررنگ مشاهده می‌کند. ازجمله نمونه‌های جالب رجزخوانی یاران قهرمان با تکیه بر قدرت او می‌توان به رجزخوانی قلواد برای ارم‌نوس دیو (همان، ۸۵) و رجزخوانی شاپور برای ابرهای دیو (همان، ۵۶۵) اشاره کرد.

۲-۶. فقدان انگیزه‌های ملی در نبردهای سام‌نامه

پژوهشگران مختلف سام‌نامه را به دلیل تمایزهای خاص آن از آثار حماسی پیشین، اثری حماسی عاشقانه یا نیمه‌حماسه نیمه‌غنایی دانسته‌اند. برخی مانند صفا (۱۳۷۹: ۳۳۷-۳۳۸) این منظومه را «داستانی منظوم از حماسه ملی ایران» به شمار می‌آورند، اما در بررسی

محتوایی خود ذکر می‌کنند که «در این داستان برعکس شاهنامه، از حضور سام در جنگ‌های ملی ایرانیان اثری نیست و آنچه در این ماجراها اتفاق می‌افتد همه و همه از افکار ملی و حماسی ما بیرون است» (همان، ۳۳۸). سرکاراتی (۱۳۷۹: ۶۹۱-۶۹۲) نیز معتقد است سام‌نامه به هیچ وجه «دنباله افسانه‌های اصیل و باستانی مربوط به حماسه ملی ایران نیست». کتابون مزداپور (۱۳۷۷: ۱۰۷) معتقد است «در بررسی تاریخ شاید بتوان داستان‌مایه و بعضی از پاره داستان‌های سام‌نامه را در منابع گذشته تا اوستا پی گرفت؛ اما درباره حوادث پراکنده و بی‌معنی و غیرقابل تطبیق با واقعیت آن که هیچ نوع پیوندی با فرهنگ قوم ایرانی ندارد، چنین نیست، بلکه در این بخش‌ها به قصه‌های عامه مانند امیر/ارسلان نامدار شباهت دارد (همان، ۱۲۲).

آنچه سام‌نامه را از دیگر آثار حماسی متمایز می‌کند، جز ساختار کلی داستان و بن‌مایه‌های خاصی که موضوع تحقیق جداگانه‌ای می‌تواند باشد، نیروهای فرستنده یا انگیزه‌های خاص قهرمان این اثر است. همان‌گونه که در بررسی ساختار نبردها در قالب الگو دیدیم، فقدان انگیزه‌های ملی درباره تمام موارد نبرد بدون هیچ استثنایی، قابل تأمل است. سام کنشگری مستقل است که به هیچ شاهی خدمت نمی‌کند و حتی در جریان نبرد با اژدها- که به درخواست و خواهش شاه بربر و قول یاری از جانب او صورت می‌گیرد- انگیزه‌اش رفع موانع راه رسیدن به پریدخت چینی است که در نقش فرستنده اصلی عمل می‌کند؛ هرچند شاه بربر هیچ‌گاه تا پایان داستان به‌عنوان نیروی یاریگر وارد داستان نمی‌شود؛ اما پرداخت راوی از داستان به گونه‌ای است که انگیزه اژدهاکشی قهرمان با نمونه‌های مشابه این مورد در متون حماسی پیشین کاملاً متفاوت است. سام بعد از کشتن اژدها و برگشتن به نزد شاه بربر از او پاداش مالی دریافت می‌کند؛ اما در ادامه خلاف آنچه در متون حماسی پیشین درباره رعایت سلسله مراتب قدرت و مناسبات خاص پهلوان و شاه مطرح است، قهرمان سام‌نامه شاه بربر را به نزد خود می‌خواند و به او سفارش می‌کند جوایای اخبار او در راه رسیدن به چین باشد تا اگر در راه رسیدن به پریدخت چینی نیاز به یاری او پیدا کرد با سپاهیان‌ش به یاری او بشتابد (سام- نامه، ۱۳۹۲: ۲۹-۳۴).

قهرمان سام‌نامه کیست و چرا می‌جنگد؟... _____ نرگس خادمی و همکاران

از سوی دیگر، قهرمان در آغاز داستان با تصمیم خودش راهی یافتن پریدخت چینی می‌شود و در ادامه تا پایان داستان درگیر نبردهایی با انگیزه‌های مختلف می‌گردد. او در داستان متن منظوم حتی از منوچهرشاه اجازه نمی‌گیرد و تنها با فرستادن پیغامی او را از تصمیم خود می‌آگاهاند (همان، ۱۶). این حضور کم‌رنگ شاه در نظر نقالان احتمالاً نقطه-ضعفی برای داستان به شمار می‌آمده است؛ زیرا قهرمان در این متون به درخواست منوچهرشاه راهی مبارزه با شداد عاد می‌شود. در طومار نقالی *هفت‌لشکر و طومار نقالی شاهنامه* سلسله‌نبردهای قهرمان با شداد که بیشترین تعداد جنگ را به خود اختصاص می‌دهند، به دستور منوچهرشاه صورت می‌گیرد و شدادعاد در روایت این متون نه به عنوان مانعی ایدئولوژیک، بلکه به عنوان شاه قدرتمندی معرفی می‌شود که بر منوچهرشاه خروج کرده است و از او درخواست باج و خراج دارد (هفت‌لشکر، ۱۳۷۷: ۱۱۶؛ طومار نقالی شاهنامه، ۱۳۹۱: ۳۱۹-۳۲۰). این در حالی است که در متن منظوم حضور منوچهرشاه را به شکلی کم‌رنگ تنها در آغاز و پایان داستان می‌بینیم. راوی به شاه به-عنوان عامل فرستنده در جریان نبردهای قهرمان اشاره‌ای نمی‌کند و قهرمان به طور خودخواسته با شداد عاد و پیروان کافر او می‌جنگد. نقش قهرمان در روایت متن منظوم به قدری پررنگ است که در پایان داستان- که بعد از پیروزی در تمام جریان‌های نبرد همراه پریدخت به ایران برگشته است- یکبار دیگر با ابرهای دیو می‌جنگد، سر از تن او جدا می‌کند و از شاه پاداش می‌گیرد (سام‌نامه، ۱۳۹۲: ۶۳۳)؛ اما در *طومار نقالی شاهنامه* و *هفت‌لشکر* منوچهرشاه دستور کشتن ابرها را صادر می‌کند (هفت‌لشکر، ۱۳۷۷: ۱۴۱؛ طومار نقالی شاهنامه، ۱۳۹۱: ۳۶۴).

۳-۶. سرایندگان سام‌نامه و توجیه انگیزه‌های قهرمان همیشه‌پیروز

ورود عناصر، مضامین و شخصیت‌های سامی و اسلامی در روایات ملی- پهلوانی از جمله *سام‌نامه*، احتمالاً متأثر از نظر شماری از علمای دوره‌های رواج نقالی ازجمله دوره صفوی بوده است. در این دوره به پیروی از روایات و اخبار منقول از امامان شیعه، با داستان‌گزارای مخالفت می‌شد و حتی برخی احتمال حرام‌بودن آن را مطرح کرده‌اند تا بدین ترتیب «از صبغه به اصطلاح «مجوسیت» آن در نزد برخی عالمان زمان کاسته و از

این راه جوازی برای فن خود فراهم کنند» (آیدنلو، ۱۳۹۱: ۲۹). علاوه بر این، رعایت پسند و اعتقاد شنوندگان از جمله عوامل دیگری است که سرایندگان منظومه‌ای چون *سام‌نامه* را به استفاده از این عناصر و شخصیت‌ها و همچنین تلفیق عناصر روایات سامی و اسلامی با ماجرای زندگی قهرمان حماسی تشویق می‌کند؛ زیرا عموم شنوندگان شخصیت‌های مورد احترام خود را مسلمان می‌خواستند یا می‌دانستند. برای نمونه یکی از دلایل ایجاد و رواج داستان عامه رویارویی رستم با حضرت علی^(ع) و مسلمان شدن او به دست ایشان، علاقه عمومی بوده است (آیدنلو، ۱۳۸۷، بیست و دو - سی و چهار). برخی از محققان از جمله یاحقی (۱۳۸۸: ۱۲۳) و آیدنلو (۱۳۸۷: ۱۸) از این جریان با عنوان انطباق یا تلفیق یا اختلاط عناصر ملی و دینی یاد می‌کنند. یاحقی (۱۳۸۸: ۱۲۳) معتقد است «این خاصیت انطباق و انعطاف نرم‌خویانه را هرگز نمی‌توان و نباید به کوتاه-آمدگی و زبونی تفسیر کرد، برعکس باید آن را گونه‌ای تاکتیک یا نوعی پایداری فرهنگی دانست». آیدنلو (۱۳۸۷: ۱۷) معتقد است که این اختلاط‌ها «نشان‌دهنده علاقه و احترام عموم ایرانیان به هر دو دسته مظاهر ملی و دینی-مذهبی خویش و کوشش برای تطبیق یا تقارن آن‌ها به منظور ایستادگی در برابر تلقیات شماری دیگر است». در طومارهای نقالی نمونه‌های فراوانی از دخالت این پسند و علاقه خاص مشاهده می‌شود. در طومار نقالی *هفت‌لشکر* (۱۳۷۷: ۹۹) نامه خطاب به قهرمان با «بسم الله الرحمن الرحیم» آغاز می‌شود و راوی تعیین تکلیف بهشت شداد را به آخرالزمان و ظهور مهدی^(عج) موکول می‌کند (همان، ۱۳۳). قهرمان در شهر بتخانه‌ها را خراب و مردم را مسلمان می‌کند (همان، ۱۱۴) و معشوق هم به درخواست او از سر صدق-به تعبیر راوی-مسلمان می‌شود. قهرمان و پریدخت به زبان عربی مناجات می‌کنند (همان، ۱۲۷؛ طومار نقالی شاهنامه، ۱۳۹۱: ۳۵۷) و سام نبردهای خود را با نعره الله‌اکبر- به تعبیر نقال- شروع می‌کند و در موارد متعددی عامل بازدارنده یا حتی معشوق را به خداپرستی و پذیرش اسلام دعوت می‌کند. همچنین در موارد متعددی از سپاهیان قهرمان به لشکر اسلام تعبیر می‌شود و عوامل وابسته به نیروی بازدارنده قهرمان با ویژگی‌ها و صفات ارزیابی-کننده‌ای چون پیرگیر توصیف می‌شوند. این شخصیت‌ها به ابلیس و بت اعظم سوگند یاد می‌کنند و متعلقات خاص خود را دارند (حسینی، ۱۳۲). در *هفت‌لشکر* (۱۳۷۷: ۹۸)

قهرمان سام‌نامه کیست و چرا می‌جنگد؟... _____ نرگس خادمی و همکاران

خضر پیامبر به یاری فرهنگ دیو می‌آید و از او می‌خواهد برای پیدا کردن سام به جده برود و قهرمان بعد از آوردن پریدخت به ایران او را بر اساس شرع اسلام عقد می‌کند (طومار نقالی شاهنامه، ۱۳۹۱: ۳۶۲).

تلاش نقالان برای پیوند دادن ماجراهای حماسی با عناصر سامی و اسلامی بیشتر به طرزی ناشیانه و تنها در حد ارضای نیاز شنوندگان عامی این روایات بوده است. چنانکه برای مثال در طومار نقالی *سام‌نامه*، سام از اهوره‌مزدا یاری می‌خواهد و بعد با یک نعره الله‌اکبر قلعه نهنگال دیو را فتح می‌کند (حسینی، ۲۳). همچنین قهرمان در طومار نقالی *هفت‌لشکر* (۱۳۷۷: ۱۳۳-۱۳۴) در موارد متعددی رقیب جنگی، ضدقهرمان و حتی معشوق را به اسلام آوردن دعوت می‌کند؛ اما در اواخر داستان می‌خوانیم که شاه‌جمشید تعیین تکلیف بهشت شداد را به به آخرالزمان و ظهور پیامبر اسلام موکول می‌کند.^{۱۸}

از سویی در روایت طومارها، از نظر پرداخت انگیزه‌های قهرمان هم به موارد متناقضی برمی‌خوریم. برای نمونه در طومار *سام‌نامه*، قهرمان که برای رسیدن به کوه فنا، در مواردی خود را مجبور به عبور از سرزمین شداد و از میان برداشتن او و بهشت و دوزخش می‌بیند (حسینی، ۱۲۷) وقتی مجبور به عقب نشینی در مقابل سپاهیان شداد می‌شود، در مناجات خود به خدا می‌گوید: «الهی من آدمم مردم را از شرک و بدبختی نجات دهم و حال به کمک تو احتیاج دارم» (همان، ۱۵۳) و قهرمان در همین نبردهای به تعبیر خودش اجباری، مردم سرزمین شداد عاد را مسلمان می‌کند.

قهرمان متن منظوم نیز ابتدا با انگیزه عشق به پریدخت، دختر زیبای فغفور چین، راهی چین و از میان برداشتن موانع راه وصال می‌گردد و این انگیزه در کنار انگیزه‌های موقتی چون تلاش برای آزاد کردن یاران در بند تا نیمه‌های این منظومه طولانی تنها انگیزه پیش‌برنده جریان نبردهاست؛ اما در نیمه‌های داستان انگیزه جدیدی در کنار انگیزه عشق مطرح می‌شود و تا آخرین مراحل نبرد قهرمان دوام می‌آورد. این انگیزه جدید مبارزه با شدادبن عاد و پیروان اوست.

شدادبن عاد شخصیت قرآنی عاصی و متکبری است که بعد از رد دعوت به پرستش خداوند از جانب پیامبر زمان خود، یعنی حضرت هود (ع)، از سوی خداوند قبض روح می‌شود (عوفی، ۱۳۷۴: ۳۶۵). او و ماجراهایش از طریق کتب دینی به اصل شفاهی

داستان‌های سام وارد شد. سپس با توجه به زمینه‌های اجتماعی خاص دوره سروده شدن *سام‌نامه* با افزودن جزئیاتی به متن منظوم آن نیز راه یافته است. شداد عاد در طومارهای نقالی هم شخصیتی مطابق با اصل افسانه‌ای داستان است: «از قضا در آن سال شدادبن عاد مغربی در مغرب پادشاه بود و آن بی‌سعادت دعوی خدایی می‌کردی و بهشت و دوزخ ساخته بود» (آیدنلو، ۱۳۹۱: ۳۱۹؛ هفت‌لشکر، ۱۳۷۷: ۶۵-۱۱۵)؛ اما تفاوت برجسته ماجرای شداد در متن منظوم و طومارها همان‌گونه که دیدیم، این است که در دو متن *هفت‌لشکر* و طومار نقالی *سام‌نامه* منوچهرشاه کسی است که قهرمان را برای مقابله و جنگ با شدادبن عاد که از شاه ایران درخواست باج و خراج دارد می‌فرستد (همان، ۱۱۶؛ طومار نقالی شاهنامه، ۳۲۰). در طومار نقالی *سام‌نامه* هم پرداخت روایت به گونه‌ای است که قهرمان برای رسیدن به جایگاه دیو رباینده پریدخت ناچار به گذشتن از سرزمین شداد و نبرد با آن‌هاست و قهرمان نه تنها فرستنده‌ای چه از نوع انسانی (مثل شاه) و چه از نوع انگیزه مطرح شده در متن منظوم، ندارد؛ بلکه نبرد با شدادیان و ویران کردن بهشت و دوزخ شداد تنها موانع راه او مطرح می‌شوند، نه به‌عنوان هدفی که در متن منظوم توجیه‌کننده بیشتر نبردهای قهرمان است: «و پس از چند ماه رسیدند به یک سرزمینی که شاپور گفت ما به جهنم خداوند شداد نزدیک هستیم که باید برای گذشتن از آن فکری بکنیم، چه اینکه درست جهنم در یک دره کوهی که ما باید از آن جا عبور کنیم، قرار دارد و از چند کیلومتری حرارت به قدری زیاد است که عبور را غیرممکن می‌نماید» (حسینی، ۱۳۸۰: ۱۳۹). «ما تنها با شداد درگیری نداریم و یک مسافرت راه دور به کوه فنا داریم که باید از خاک شداد عبور کنیم که آن‌ها هم مانع عبور ما شدند که ناچاریم با جنگیدن به راه خود ادامه دهیم» (همان، ۱۴۷).

در متن منظوم، نخستین بار در اوایل داستان است که نبرد با شداد عاد از زبان فریدون- وقتی قهرمان خواب است- پیش‌بینی می‌شود (همان، ۲۳)، جریان داستان پیش می‌رود و قهرمان نبردهای بسیاری را پشت سر می‌گذارد؛ اما نامی از شداد عاد نیست تا اینکه در میانه‌های داستان می‌بینیم که قهرمان در شرح اهداف خود برای سقلاشاه برای بار اول به هدف خود برای نبرد با شداد عاد اشاره می‌کند (همان، ۲۷۲).

قهرمان سام‌نامه کیست و چرا می‌جنگد؟... _____ نرگس خادمی و همکاران

ابره‌ای دیو رباینده پریدخت است که راوی از قول شخصیتی دیگر به نام عاق جادو- که بعد از شکست در برابر قهرمان به ناچار به نوعی یاریگر اطلاعات‌دهنده تبدیل می‌شود- به توصیف او می‌پردازد و همچنین در شرح اطلاعاتی که عاق جادو برای رسیدن به جایگاه ابرها ارائه می‌کند، شداد عاد بهشت و دوزخ را به عنوان موانع اصلی راه قهرمان عنوان می‌کند. قهرمان در نبردهای دسته دوم وارد سلسله‌نبردهای خود با عادیان می‌شود و انگیزه دینی به عنوان دومین انگیزه مهم در کنار انگیزه عشق مطرح می‌شود و حتی در جریان برخی نبردها از جمله نبرد قهرمان با رهدار دیو و نبرد با شدادیان می‌بینیم که انگیزه عشق کم‌رنگ شده و انگیزه اعتقادی پررنگ‌تر است و حتی گاه مجادله اعتقادی جای رجزخوانی‌ها را می‌گیرد (همان، ۳۰۳). تقابل بین یزدان و شداد عاد که از جریان نبردهای دسته دوم داستان آغاز شده است در ماجرای در طلسم افتادن سام و همراهان او و تلاش شاپور برای نجات آن‌ها و مجادله‌اش با سقلا‌بشاه شدت پیدا می‌کند (همان، ۲۸۴).

شاپور در جریان این مجادله عصبانی می‌شود و فرخارنوش را می‌کشد و این نخستین کشته قهرمان و همراهان او به سبب انگیزه‌های دینی است. این انگیزه در ادامه و در حین جست‌وجوی قهرمان برای پریدخت سبب کشته‌شدن بسیاری از افراد به دست قهرمان و همراهان و سپاهیان او می‌شود. برای نمونه در جنگ با نیمه‌تنان شاپور بعد از فهمیدن گرایش اعتقادی نیمه‌تنی- که با او برخورد می‌کند- او را می‌کشد و همین عمل اوست که باعث برافروختن آتش جنگ میان پریان و نیمه‌تنان می‌گردد. آخرین فردی که پس از ویران کردن بهشت و دوزخ شداد و کشتار سپاه عادیان اسیر قهرمان می‌شود، خود شداد عاد است که قهرمان- که خود را فرستاده خدا معرفی می‌کند- سعی در هدایت او دارد (همان، ۵۴۵)؛ اما با رد پیشنهاد سام مبنی بر پرستش یزدان به دست او اسیر می‌شود و وقتی که قهرمان قصد به دار آویختن او را دارد، ابره‌ای دیو او را نجات می‌دهد.

الگوی کشتن عامل بازدارنده مغلوبی که دعوت به پرستش یزدان از سوی قهرمان را نمی‌پذیرد، در طومارهای نقالی هم تکرار می‌شود. در طومار **هفت‌شکر** درباره رضوان پری می‌خوانیم: «سام گفت: ای پتیاره! خدای من مرا نجات داد، اکنون قدرت خدای را

مشاهده کن و مسلمان شو. رضوان بخندید و گفت: هرگز خدای ندیده را ستایش نکنم ... سام تیری بر سینه رضوان پری زد» (هفت‌لشکر، ۱۳۷۷: ۱۰۰). مورد جالب دیگر درباره وزیر خاقان چین (همان فغفور در متن منظوم) است. درباره او که طراح اصلی تمام توطئه‌هایی است که قهرمان را با مشکل مواجه می‌کنند، پیشنهاد اسلام آوردن به‌عنوان وسیله‌ای برای بخشیده‌شدن از سوی قهرمان مطرح می‌گردد: «وزیر گفت: ای شهریار! من نوکر خاقان بودم، هرچه او می‌فرمود من چنان می‌کردم. تمرتاش گفت: الحال بیا و مسلمان شو تا سام از سر تقصیر تو بگذرد. وزیر قبول نکرد. سام بار دیگر او را به شرف اسلام دلالت کرد و آن ملعون قبول نکرد. فرهنگ او را از بارگاه بیرون آورد و بر دار کشید» (همان، ۱۱۱). در موارد مشابه این در متن منظوم نیز، چنین به نظر می‌رسد که راوی جواز کشتن رقیب جنگی مخالف با اعتقادات قهرمان را بدین شکل برای او صادر می‌کند. جریان کشته شدن سگسار شاه و زرینه‌بال به دست قهرمان ازجمله این موارد در متن منظوم است. همین‌طور درباره شداد عاد می‌بینیم که قهرمان شرط نکشتن او را در گرو پرستش خدا و بازگشتن از راه کفر قرار می‌دهد؛ اما احتمالاً عاقبت مشهور او در روایات اسلامی و قبض شدن روح او به دست خداوند، عامل اصلی احتیاط و محافظه‌کاری سراینده یا سرایندگان *سام‌نامه* در روایت ماجرای مرگ اوست؛ اما از سویی، پیوند دادن سرنوشت قهرمان به شخصیتی چون شدادبن عاد که نماد کفر و غرور و لجاجت در برابر خداوند است و به‌تصویر کشیدن سلسله‌نبردهای قهرمان با او، مغلوب کردن او و تار و مار کردن سپاهیان‌ش نکته‌ای است که در نظر خوانندگان و احتمالاً شنوندگان اصلِ نقالی داستان، تصویری پیامبرگونه از قهرمان ارائه می‌کند که سلسله‌نبردهای او را که ابتدا با انگیزه عشق آغاز شده است تا جایگاه جهادهای مذهبی بالا می‌برد. موارد متعددی که قهرمان به جای رجزخوانی یا کشتن آنی رقیب جنگی مغلوب می‌شود، او را به پرستش یزدان دعوت می‌کند و اقرار او به یگانگی خداوند را شرط زنده‌ماندن او می‌داند، نیز این نکته را تأیید می‌کند. مواردی که البته همیشه با رد رقیب کافر و معتقد به شداد عاد همراه است. برای نمونه در جریان جنگ قهرمان با لجلج که ازجمله متحدان نیرومند شداد عاد است، در نوبت رجزخوانی قهرمان می‌خوانیم:

قهرمان سام‌نامه کیست و چرا می‌جنگد؟... _____ نرگس خادمی و همکاران

برآشفت از آن گفته فرخنده سام	بدو گفت آنگه که ای زشت نام
خدیو جهان، ایزد داور است	که روزی ده بندگان یکسر است
مشو بدگمان، راستی پیشه کن	ز دادار گیتی یک اندیشه کن
ستایش کسی را سزد در جهان	کزو گشت پیدا کهان و مهان
بدو گفت لجاج پیش آر جنگ	نشاید در آورد کردن درنگ

(همان، ۳۹۴)

قهرمان در موارد متعددی خود را فرستاده خدا معرفی می‌کند؛ فرستاده‌ای که مأمور است زمین را از کفر پاک کند و مردم را به راه راست هدایت کند. این نکته جز در مورد شداد عاد در نبرد قهرمان با ابرهای دیو رباینده پریدخت نیز قابل مشاهده است:

به فرمان یزدان کیهان خدیو برآرم دمار از تن نره دیو

(همان، ۵۸۳)

این موارد و موارد دیگری ازجمله این جنگ و جنگ قهرمان با عوج‌بن‌عنق که سروش یا فرهنگ دیو خبر پیروزی قهرمان را از جانب خداوند می‌آورد، توجیه‌کننده نبردهای اوست. حتی در موارد زیادی می‌بینیم که خود قهرمان جنگ‌ها و کشتارهای خود را توجیه می‌کند. ازجمله در سلسله‌نبردهای قهرمان با عادیان، وقتی او خبر رسیدن لشکر شدید را می‌شنود، می‌گوید:

خدای جهان یاور جان ماست سر بخت در زیر فرمان ماست
که یزدان پرستیم و دل باسپاس ز شدادیان نیست ما را هراس

(همان، ۳۷۰)

قائل شدن انگیزه‌های دینی برای بیشتر نبردهای قهرمان سام‌نامه و متن طومارهای نقالی به احتمال قریب به یقین نتیجهٔ محافظه‌کاری سراینده یا سرایندگان این منظومه و در نظر گرفتن سلیقه و پسند مخاطب عام بوده است. گویی سرایندگان این اثر میان‌مایه- که هدف و کارکردی جز سرگرم کردن مخاطب عام نمی‌تواند داشته باشد- تشخیص داده‌اند که شنوندگان مسلمان آن‌ها با توجه به عواطف و تعصبات خاص خود، قهرمان اغراق‌شده‌ای را که علاوه بر انگیزهٔ عاشقی و جست‌وجوی مداوم برای یافتن معشوق، در جریان نبردهایش به گونه‌ای به ترویج دین هم می‌پردازد، راحت‌تر برمی‌تابند و برای آن‌ها قهرمانی که نبردهایش جنبهٔ جهاد در راه ترویج دین پیدا می‌کند،

توجیه بیشتری دارد تا قهرمانی که با حذف انگیزه‌های دینی، کسی نیست جز کودکی که عاشق می‌شود و در راه رسیدن به معشوق به فریبکاری، ارائه هویت جعلی، کشتار نگهبانان و باغبانان بیگناه معشوق و همچنین کشتار عده زیادی از جمله پدر معشوق می‌پردازد. **سام‌نامه** را از این نظر می‌توان نماینده دورانی دانست که گرایش عامه مردم به شنیدن و خواندن قصه‌های سرگرم‌کننده و اغراق‌آمیز بیش از آثار حماسی با کارکرد-های خاص این‌گونه آثار شده است. با در نظر گرفتن فرض سروده‌شدن متن منظوم **سام‌نامه** توسط نقالان می‌توان به این نتیجه رسید که این سراینده‌گان با حذف موارد متناقض و ایجاد تقابل ایدئولوژیک بین یزدان (به جای الله در متن طومارها) و شداد عاد و دعوت به خداپرستی به جای موارد متعدد مسلمان کردن مردم و دعوت به اسلام در طومارهای نقالی، در ایجاد داستانی واقع‌نماتر و قابل‌قبول‌تر سعی کرده‌اند. از سوی دیگر، این سراینده‌گان با کم‌رنگ کردن نقش شاه و تمرکز بر پرداخت قهرمانی اغراق‌شده و همیشه‌پیروز با انگیزه‌های خاصی که ربطی به انگیزه‌های ملی ندارد، اثری منحصربه‌فرد و کاملاً متفاوت با حماسه‌های ملی پیشین به وجود آورده‌اند. این نکته با فرض تقدم متن منظوم بر طومارهای نقالی تابع اصل کلی تصرف آزادانه نقالان در محتواست.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش با بررسی ساختاری مجموعه نبردهای قهرمان **سام‌نامه** و با در نظر گرفتن پنج عامل کنشگر، رقیب جنگی، انگیزه نبرد، یاریگران و نتیجه نبرد، دو دسته فرستنده یا انگیزه‌های اصلی که قهرمان را به جنگ وامی‌دارد، به دست آمد که عبارت‌اند از: انگیزه رفع موانع در راه وصال پریدخت چینی و انگیزه‌های دینی. این دو دسته انگیزه در کنار انگیزه‌های موقتی چون دفاع از خود یا آزاد کردن یاران در بند قهرمان را به جنگ وامی‌دارد. فقدان انگیزه‌های ملی در جریان نبردهای قهرمان **سام‌نامه** برجسته‌ترین عاملی است که این منظومه را از منظومه‌های حماسی پیشین متمایز می‌سازد. شخصیت اصلی این منظومه در اصل همان قهرمان ماجراجوی **همای و همایون** خواجه‌وست که راوی با شیوه‌های غیرمستقیم پرداخت شخصیت به پررنگ کردن قدرت

قهرمان سام‌نامه کیست و چرا می‌جنگد؟... _____ نرگس خادمی و همکاران

خارق‌العاده او می‌پردازد. به علاوه او کنشگری مستقل است که ابتدا تنها با انگیزه‌های عاشقانه به نبرد می‌پردازد؛ اما در ادامه با دخالت سرایندگان اثر - که احتمالاً نقالانی با انگیزه‌های خاص خود بوده‌اند، انگیزه‌های دینی به عنوان عامل فرستنده اصلی در جریان نبردهای او مطرح می‌گردد و از این نظر نبردهای او که در ابتدا با انگیزه‌های عاشقانه آغاز شده بود، جنبه جهاد در راه ترویج دین پیدا می‌کند. قهرمان این منظومه در بیش از ۷۰٪ جریان نبردها به تنهایی و یک‌تنه می‌جنگد. این نبردها که نتایجی مشخص و قابل پیش‌بینی دارند، همواره به پیروزی می‌انجامند و قابلیت خلاصه شدن در چند الگوی ساده را دارند. با در نظر گرفتن تمام این نکته‌ها *سام‌نامه* را نمی‌توان حماسه‌ای ملی به حساب آورد؛ بلکه این اثر داستانی عاشقانه یا به تعبیر برخی پژوهشگران، رمانسی است که دخالت سرایندگان آن در جهت شکل دادن به گفتمانی متأثر از باورها و اعتقادات خاص، باعث شکل گرفتن اثری منحصربه‌فرد با ساختارهای خاص خود شده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. برای دلایل رد انتساب *سام‌نامه* به خواجو ر.ک: محمدزاده، سید عباس و وحید رویانی. «سام‌نامه از کیست». *دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد*. ش ۱۵۸.

2. Propp
3. role
4. Greimas
5. sender
6. reciever
7. actant
8. subject
9. helper
10. opponent

۱۱. گریماس یکی از ویژگی‌های حکایات فولکلوریک را یکی‌بودن کنشگر و گیرنده یا ذی‌نفع می‌داند (به نقل از صالحی‌نیا، ۱۳۸۷: ۳۲۸).

12. hero
13. opponent
14. sender
15. victory
16. defeat
17. helper

۱۸. این نکته یادآور گزارش میرشکرایی در ماجرای پیرمردی از مشتریان یکی از قهوه‌خانه‌های شهری است که می‌گفت: «فردوسی از سه هزار سال پیش می‌گوید رستم مسلمان بوده» و در جواب اعتراض دیگران که می‌گفتند سه هزار سال پیش هنوز دین اسلام نبوده است پاسخ می‌داد: «همیشه مسلمانی بوده» (میرشکرایی، ۱۳۵۵: ۴۴).

منابع

- قرآن کریم.

- آیدنلو، سجاد (۱۳۸۷). *رستم‌نامه*. تهران: میراث مکتوب.

- _____ (۱۳۹۱). *طومار نقالی شاهنامه*. چ اول. تهران: چشمه.

- اته، کارل هرمان (۱۳۷۷). *تاریخ ادبیات فارسی*. ترجمه صادق رضازاده شفق. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

- بشیری، علی‌اصغر و علی محمدی (۱۳۹۳). «ریشه‌یابی نبرد سام با عوج‌بن‌عنق در *سام‌نامه* بر اساس دیدگاه انطباق در حماسه‌ها». *پژوهشنامه ادب حماسی*. س ۱۰. ش ۱۷. صص ۱۳۵-۱۵۴.

- پراپ، ولادیمیر (۱۳۶۸). *ریخت‌شناسی قصه‌های پریان*. ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: توس.

- پرینس، جرالڈ (۱۳۹۱). *روایت‌شناسی. شکل و کارکرد روایت*. ترجمه محمد شهباز. تهران: مینوی خرد.

- حسینی، حسین (۱۳۸۰). *سام‌نامه: طومار نقالی*. تهران: نمایش (انجمن نمایش).

- خواندمیر، غیاث‌الدین (۱۳۸۰). *تاریخ حبیب‌السیر فی اخبار افراد بشر*. تهران: اساطیر.

- رستگار فسایی، منصور (۱۳۷۰). «یک داستان با دو نام». *خواجو (ویژه کنگره بزرگداشت خواجوی کرمانی)*. ج ۱. کرمان.

- رویانی، وحید (۱۳۹۰). «بررسی تأثیر شاهنامه بر *سام‌نامه*». *پژوهشنامه زبان و ادب فارسی (گوه‌رگویا)*. س ۵. ش ۲. پیاپی ۱۸. صص ۱۳۷-۱۶۴.

- *سام‌نامه* (۱۳۹۲). تصحیح وحید رویانی. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.

- سرکاراتی، بهمن (۱۳۷۹). «سام. نمونه‌ای از یلان سترگ». *نخلیند شعرا: قالات کنگره جهانی بزرگداشت خواجوی کرمانی*. به کوشش احمد امیری خراسانی. کرمان: مرکز کرمان‌شناسی. ج ۱. صص ۶۸۷-۶۹۲.

قهرمان سام‌نامه کیست و چرا می‌جنگد؟... _____ نرگس خادمی و همکاران

-صالحی‌نیا، مریم (۱۳۸۷). *تحلیل ساختار روایت در قرآن*. کتاب مقدس و چند متن عرفانی. رساله دکتری. مشهد: دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی.

-صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۹). *حماسه‌سرایی در ایران*. تهران: امیرکبیر.

-طومار نقالی شاهنامه (۱۳۹۱). به‌کوشش سجاد آیدنلو. چ اول. تهران: به‌نگار.

-عابدی، محمود (۱۳۹۰). «سام‌نامه». *فردوسی و شاهنامه‌سرایی (برگزیده مقالات دانشنامه زبان و ادب فارسی)*. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی. صص ۱۰۶۹-۱۰۷۷.

-عوفی، محمدبن محمد (۱۳۷۴). *جوامع‌الحکایات و لوامع‌الروایات*. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

-محمدزاده سید عباس و وحید رویانی (۱۳۸۶). «سام‌نامه از کیست». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*. ش ۱۵۸. صص ۱۵۹-۱۷۶.

-مزدآپور، کتایون (۱۳۷۷). «روایت‌های داستانی از اسطوره‌های کهن». *فرهنگ*. ش ۲۵-۲۶. صص ۱۰۳-۱۲۵.

-میرشکرای، محمد (۱۳۵۵). «شاهنامه‌خوانی از دید مردم‌شناسی (نظری به تاریخچه شاهنامه‌خوانی)». *هنر و مردم*. ش ۱۶۵-۱۶۶. صص ۵۷-۶۵.

-واردی زرین و حمیده نظری اصطهباناتی (۱۳۸۹). «بررسی ساختار اسطوره‌ای در داستان سام‌نامه». *پژوهشنامه زبان و ادب فارسی (گوهرگویا)*. ش ۱۴. صص ۷۷-۱۰۲.

-نیرسینا، هدایت‌الله (۱۳۵۳). «سام‌نامه خواجه کرمانی». *چهارمین کنگره تحقیقات ایرانی*. ج ۱. ص ۲۰۸.

-هفت‌لشکر (طومار جامع نقالان) *از کیومرث تا بهمن* (۱۳۷۷). تصحیح مهدی مداینی و مهران افشاری. چ اول. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

-یاحقی، محمدجعفر (۱۳۸۸). *از پاژ تا دروازه رزان*. تهران: سخن.

- Greimas, A. j. (1984). *Structural Semantics: an Attempt at a Method*. Publisher: Lincoln: University of Nebraska Press.

-Propp, Vladimir (1985). *Theory and History of Folklore*. the university of Minnesota press.

-Prince, Gerald (2003). *A Dictionary of Narratology*. University of Nebraska press.

-Rimmon-kenan, Shlomith (2008). *Narrative Fiction*. Routledge.